

منابع انرژی خزر و یکصد سال تاریخ نفت ایران

(بررسی دلایل عدم بهره برداری از منابع انرژی خزر طی یکصد سال اخیر)

سرویس خزر/خبرگزاری آران

چکیده:

از زمانی که روس ها به سواحل شمالی دریای خزر دست یافتند، تلاشهای گسترده ای از سوی این کشور برای تسلط بر این دریا صورت گرفت که ضعف روز افزون ایران نیز به این جریان کمک نمود. در نتیجه تا قرارداد ترکمنچای روسها توانسته بودند بخش وسیعی از دریای خزر را فتح کنند و قرارداد ترکمنچای تضمین کننده وضع موجود بود. اما با قرارداد مودت ایران و شوروی و قرارداد 1940م وضع تغییر کرد و این دریا به طور مساوی میان طرفین تقسیم شد. با فروپاشی شوروی و ایجاد دول جدید بحث تعیین رژیم حقوقی این دریا شکل گرفت که البته به دلیل وجود اختلاف میان پنج کشور ساحلی تا کنون به نتیجه نرسیده است. این مقاله به بررسی موانع موجود در این راه و همچنین دلایل عدم بهره برداری ایران از منابع انرژی این دریا طی یکصد سال اخیر می پردازد.

کلید واژه: دریای خزر، منابع انرژی، رژیم حقوقی، معاهدات تاریخی، رویه های سیاسی.

تاریخچه شکل گیری دولت در مناطق شمالی دریای خزر، یعنی محدوده کنونی کشور روسیه به قرن سیزده میلادی باز می گردد. اما روسها علی رغم اینکه قومی دریانورد به حساب می آیند [1] تا قرن هیجدهم عملا به دریای خزر راه نداشتند و عمده توجه آنان به دریای بالتیک و مناطق شرقی اروپا بود. [2] با روی کار آمدن پترکبیر توجه روسها به مناطق جنوبی روسیه جلب شد و از این پس با هدف ایجاد یک بندر تجاری در دریای خزر به این منطقه روی آوردند. این در حالی است که ایران طی تاریخ سه هزار ساله خود همواره این دریا را به عنوان یک آبراه و منبع اقتصادی مهم مورد توجه قرار داده است و پادشاهان مختلف نسبت به ایجاد بندر تجاری در حواشی این دریا، از شبه جزیره مانقشلاق تا مناطق جنوبی داغستان اهتمام ویژه ای داشتند. از قرن هفده میلادی مقامات روس همزمان با ضعف سیاسی و نظامی ایران طی قرون 17 تا 19 میلادی توانستند موقعیت پیشین ایران در این دریا را به دست آورده و جای پای محکمی در این دریا به دست آورند. طی سالهای 1726، 1723، 1732 و 1735 که حکومت صفوی در سراسری سقوط قرار داشت قراردادهایی را با حکام ضعیف ایران منعقد ساخته و ایران را به شناسایی موقعیت جدید روسیه در خزر واداشتند. [3] روسها همچنین طبق قرارداد 1723 با دولت عثمانی، این کشور را واداشتند تا حق حاکمیت روسیه بر دریای خزر را به رسمیت بشناسد. این جریان با روی کار آمدن نادرشاه افشار و ترس روسها از عواقب مخالفت با نادر مدتی قطع شد و روسها تا چند دهه بعد مناطق جنوبی دریای خزر را ترک کردند. [4] با روی کار آمدن دولت قاجاریه و بروز مسئله گرجستان [5] توجه روسها به این دریا جلب شد. مسئله گرجستان دو دوره جنگ میان ایران و روسیه را به همراه داشت که با شکست شاه قاجار همراه بود. طبق قرارداد گلستان که در پایان دوره اول جنگ به امضا رسید. [6] ایران رسماً از بسیاری از حقوق خود در دریای خزر دست کشید و طبق قرارداد ترکمنچای [7] این دریا ملک روسها و تحت حاکمیت مطلق تزار روس قرار گرفت. برطبق فصل پنجم این قرارداد:

«علیحضرت شاهنشاه ایران محض اثبات دوستی خالصانه..... تصدیق می نماید که ممالک و جزایری که مابین خط تحدید فصل اخیر (ماده مربوط به تعیین مرزها) و تیزه جبال قفقاز دریای خزر است و همچنین اهالی بدوی و غیره متعلق به دولت روسیه می باشد....» [8] همچنین طبق این قرارداد تنها کشتی های روسی حق رفت و آمد در دریای خزر را داشتند. [9] این مقررات تا سال 1921م. یعنی سال تثبیت حکومت شوروی در روسیه و انعقاد معاهده مودت ایران و شوروی ادامه داشت. طبق معاهده مودت 1921م/1300 ه.ش، دولت شوروی معاهدات پیشین ایران و روسیه را ملغی اعلام نموده و مقرر شد که حاکمیت مشترک ایران و شوروی برطبق رژیم حقوقی مشاع به رسمیت شناخته شود. [10] طی سالهای 1935، [11] 1937 [12] و 1940 مطابق با سالهای 1315، 1317 و 1319 ه.ش، متمم هایی به معاهده مودت افزوده شد. طبق قرارداد 1940م که مهمترین معاهده بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر است، حقوق بازرگانی و نظامی هر دو طرف به طور یکسان تعیین گردید و راجع به مسائل متعددی همچون عوارض گمرکی، شیلات، کشتیرانی و غیره تصمیماتی اتخاذ شد. البته این قرارداد به طور مستقیم به مسئله منابع زیر بستر دریا اشاره ای ننموده است. اما از دیدگاه مقامات ایرانی در عصر حاضر باید به عنوان یک معیار در تدوین رژیم حقوقی دریای خزر مد نظر قرار گیرد. [13]

کشف نفت و مسئله رژیم حقوقی دریای خزر

نخستین چاههای نفت در اطراف دریای خزر در قرن نوزدهم و در باکو حفر شد که موجب کشف منابع عظیم نفت در این منطقه شد. اما در بستر دریای خزر تا سال 1323/1945 ه.ش، تلاش مهمی صورت نگرفت. در این سال، مقامات شوروی در منطقه «نفتیانی کامنی» سواحل آذربایجان اکتشافاتی را به انجام رساندند. پس از حفر نخستین چاههای نفت که البته با موفقیت چندانی همراه نبود، شوروی با موافقت ایران یک خط فرضی را از آستارا تا خلیج حسینقلی در شرق دریای خزر ترسیم نمود و اکتشاف نفتی خود را به شمال این خط محدود ساخت. [14]

دولت ایران در این دوره به دلایل مختلف حاضر به انجام اکتشاف وسیع در دریای خزر نبود که مهمترین آن عمق بسیار زیاد دریا در سواحل ایران و همچنین عدم دسترسی به امکانات اکتشاف، تولید و انتقال انرژی از دریای خزر به بازار مصرف بود. دولت ایران طی این دوره نسبت به اقدامات یکجانبه شوروی در اکتشاف نفتی اعتراضی نداشت که این موضوع نیز به دلایل مختلف اتخاذ گردید. دولت شوروی پس از مذاکره با مقامات وقت ایران در سال 1346 شرکت تکنواکسپورت را مامور اکتشاف در محدوده آبهای ایران نمود. در نتیجه این اکتشافات در سال 1369 اولین چاه نفت حفر شد و در سال 1370 عملیات لرنه نگاری در این محدوده دنبال شد، اما به طور کلی به دلیل بروز اختلاف برسر تعیین رژیم حقوقی این دریا و همچنین هزینه های بالای اکتشاف نفت از سوی دولت ایران متوقف گردیده است. [15]

فروپاشی شوروی و بروز اختلافات

با فروپاشی شوروی در سال 1991م. و شکل گیری کشورهای مختلف در حوزه دریای خزر یعنی آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه که همزمان با اهمیت یابی مسئله انرژی پس از جنگ دوم خلیج فارس بروز یافت، مسئله رژیم حقوقی دریای خزر با هدف تعیین سهم هر کشور ساحلی از منابع انرژی این دریا مطرح گردید. [16] این مسئله همزمان با اعلام رسمی جرج بوش پدر مبنی بر نامگذاری قرن بیست و یکم به نام آمریکا و توجه ویژه این کشور به منابع انرژی منطقه خلیج فارس و دریای خزر موجب بروز اختلافاتی در میان کشورهای حاشیه دریای خزر شد. کشورهای ساحلی با دعوت از کمیانی های بزرگ نفتی نه تنها موجب بروز مسئله دخالت دیگر کشورهای غربی در مسائل مربوط به یک دریای بسته شده اند [17] بلکه زمینه را برای بروز تنش در روابط اعضا و عدم ایجاد یک تفاهم نهایی و اصولی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به وجود آورده است. [18] این مسئله به دلیل وجود اختلافات ریشه ای میان برخی کشورهای ساحلی همچون ایران و روسیه با قدرتهای غربی و به خصوص ایالات متحده آمریکا شکل به خصوصی به خود گرفته است. کشورهایی همچون ایران و روسیه از همان آغاز فروپاشی شوروی مجموعه اصول و قواعد حاکم بر حقوق بین المللی دریاها مصوب 1982 م. که مورد پذیرش تمامی کشورهای جهان است را مربوط به دریاهای آزاد می دانند. حال آنکه دریای خزر طبق توافقات پیشین ایران و روسیه یک دریای بسته است و تنها در صورت رضایت تمام اعضا و تدوین یک رژیم مورد پذیرش پنج کشور می توان نسبت به مشارکت دهی یا عدم مشارکت دهی در این باره تصمیم گرفت و نسبت به تقسیم منابع انرژی خزر به یک توافق دست یافت.

2. باوند، هرمیداس، نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر، نویدها و زهارها، فصل نامه خاورمیانه، س2، ش3، پاییز 1374.
3. حافظ نیا، محمد رضا، تفاوت ها و تعارض ها در حوضه ژئوپلیتیک دریای خزر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س هفتم، ش1378، 27.
4. شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران : امیر کبیر، 1378.
5. عبادی نژاد، سید علی، ژئوپلیتیک مرزهای ایران، تهران، دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول 1385.
6. لکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1344.
7. کیزاتف، ویچلاد، رژیم حقوقی دریای خزر، ترجمه شهبازی، مطالعات آسیای میانه و قفقاز، س4، ش10.
8. مجتهد زاده، پیروز، رژیم حقوقی دریای خزر، تصویر ژئوپلیتیک از موانعی در راه همکاری های منطقه ای اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش56، بهمن و اسفند 1379.
9. مهدوی، عبد الرضا هوشنگ، روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران : امیر کبیر، 1383.
10. نوایی، عبد الحسین، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران : سمت، 1377.
11. Atkinson, Edward Hemispheric, denial & geopolitical imperative and soviet strategy, strategic review, vol.4, no 2. 1976.
12. Brice M. Clagett, Ownership of Seabed and Subsoil Resources in Caspian sea, under the role of international law, Caspian Crossroads, Summer fall, 1995.
13. Charles G. MacDonald, Iran-Saudi Arabia & the law of Sea, London, 1980.
14. Iran-USSR, Art.15, 176. LNTS, Treaty of Establishment, comment and Navigation, with final protocols and annex, 25 may 1935.
15. Kamiar Mehdiyoun, Ownership of oil and Gas Resources in the Caspian sea, The American Journal of International Law, vii, 94, no.1, 2000.
16. K; Sergei Vinogrador and Raticia Wouters, the Caspian sea quest for a legal Regime, 9 LEIDEN. LNT, 1996.
17. Mikhail Alexander, Russian-Kazakh Contradictions on the Caspian Sea Legal Status, Russia and Eurasian Bull., Feb 1998.
18. Persia-Russia SFSR, 9 LNTS, p.383, Treaty of friendship, 26 Feb 1927.
19. Russia: Joint Azeri-Russia Statement outlines Talks on Caspian sea, Doc. FBIS-SOV, 1996.
Syed Rashid Ali, Russia-Kazakhstan Caspian Agreement, petroleum times Energy Rep., Feb, 1998
The changing of Face of Energy Geopolitics OECD Observation, June 22, 1999
William. E. Butler. The Soviet Union and the Continental Shelf. London [1969]

[1] - روسها از لحاظ قومی به تیره اقوام اسکاندیناوی تعلق دارند که طی قرون ده تا سیزده میلادی از طریق رودها و همچنین دریای بالتیک به سرزمین کنونی بلاروس و اطراف رود گل قدم گذاشتند.

[2] - در این باره ن ک :

Atkinson, Edward Hemispheric, denial & geopolitical imperative and soviet strategy, strategic review, vol.4, no 2. 1976, pp.62-66

[3] - نوایی، عبد الحسین، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران : سمت، 1377، صص 220-201.

[4] - در این باره ن ک : لکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1344.

[5] - شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران : امیر کبیر، 1378، صص 88-83.

[6] - همان، ص 102

[7] - همان، ص 5-104، همچنین ن ک : مهدوی، عبد الرضا هوشنگ، روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران : امیر کبیر، 1383، صص 385-378.

[8] - شمیم، پیشین، ص 102.

[9] - همان، ص 104

[10] - مهدوی، پیشین، ص 383. برای بررسی متن اصلی قرارداد ن ک :

Persia-Russia SFSR, 9 LNTS, p.383, Treaty of friendship, 26 Feb 1927.

[11] - Iran-USSR, Art.15, 176. LNTS, pp. 301-317, Treaty of Establishment, Comment and Navigation, with final protocols and annex, 25 may 1935.

[12] - این قرارداد مربوط به مسئله شیلات شمال است که از دیدگاه مقامات شوروی در سال 1921 م به عنوان یک قرارداد امپریالیستی مورد پذیرش قرار نگرفت و در نتیجه مسئله شیلات شمال همواره یکی از مشکلات دو طرف در بهبود روابط سیاسی بود تا اینکه در سال 1316 ه. ش، 1917 م. حل و فصل گردید.

[13] - احمدی پور، زهرا، ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در پرتو ژئوپلیتیک جدید منطقه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش 43، تهران : 1376، ص 40.

[14] - راجع به اکتشاف نفتی روسیه طی دهه های 40 و 50 میلادی در دریای خزر ن ک :

Wiliam. E. Butler, The Soviet Union and the Continental Shelf, London, 1969, pp. 103-106

[15] - راجع به مواضع ایران در طی دوران پهلوی نك:

Charles G. MacDonald, Iran-Saudi Arabia & the law of Sea, London, 1980, pp. 143-172.

کاظم پور اردبیلی، حسین، رژیم حقوقی دریای خزر، توسعه منابع و خطوط انرژی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش 27، پاییز 1378، صص 13-17.
[16] - در این باره نك:

Kamiar Mehdiyoun, Ownership of oil and Gas Resources in the Caspian sea, The American Journal of International Law, vol. 94, no. 1, 2000, p. 179.

[17] - در این باره ن ک:

The changing of Face of Energy Geopolitics OECD Observation, June 22, 1999, p. 48.

[18]

Brice M. Clagett, Ownership of Seabed and Subsoil Resources in Caspian sea, under the role of international law, Caspian Crossroads may, Summer fall, 1995, pp. 3-10.

[19]

K; Sergey Venerator and Raticia Wouters, the Caspian Sea quest for a legal Regime, 9, LEIDEN. LNTI 1996, pp. 87-94.

همچنین نك: دبیری، محمد رضا، رژیم حقوقی دریای خزر عاملی برای توازن منافع و توازن امنیت، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش 10، تابستان 1374، صص 142.

[20] Ibid, p. 89.

[21] - در این باره نك: مهدوی، پیشین، صص 186-459.

[22] - راجع به چرایی و چگونگی بروز مسئله آذربایجان و اهمیت نفت در این جریان نك: همان، صص 431-437. همچنین برای بررسی بیشتر تحول در مرزهای سیاسی شمال ایران

طی یکصد سال اخیر نك: عبادی، نژاد، سید علی، ژئوپلیتیک مرزهای ایران، تهران، دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول 1385، صص 174-181.

[23] - همان، صص 175. همچنین کیزانف، ویچلاد، رژیم حقوقی دریای خزر، ترجمه شهبازی، مطالعات آسیای میانه و قفقاز، ش 4، صص 10، 52.

[24] - راجع به مواضع آذربایجان و قزاقستان در موضوع تعیین رژیم حقوقی دریای خزر نك:

Mikhail Alexander, Russian. Kazakh Contradictions on the Caspian Sea Legal Status, Russia and Eurasian Bull., Feb 1998.

همچنین:

Russia: Joint Azeri-Russia Statement outlines Talks on Caspian sea, Doc. FBIS-SOV, 1996, pp. 98-217,

[25] - نك: حافظ نیا، محمد رضا، تفاوت ها و تعارض ها در حوضه ژئوپلیتیک دریای خزر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش 27، صص 16.

Alexandrov, op. cit, p. 49.

[26] LUK OIL

[27] - Ibid, pp. 35-43, 89-91.

[28] - Financial Times, London, May 30, 1994, p. 2.

[29] - <http://www.Russia.gov/atusia/posts/XA1.www.txt> <visted, Mar 7 1999.

همچنین راجع به مواضع روسها در این زمینه نك: باوند، هرمیداس، نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر، نویدها و زنهرا، فصل نامه خاورمیانه، ش 2، صص 3، پاییز 1374، صص 854-857.

همچنین نك: مجتهد زاده، پیروز، رژیم حقوقی دریای خزر، تصویر ژئوپلیتیک از موانعی در راه همکاری های منطقه ای اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش 5 و 6، بهم و اسفند

1379، صص 79-83.

[30] - در این باره نك:

Syed Rashid Ali, Russia -Kazakhstan Caspian Agreement, petroleum times Energy Rep., Feb, 1998, p. 6.

[31] - احمدی پور، زهرا، ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در پرتو ژئوپلیتیک جدید منطقه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش 43، تهران، 1376، صص 40.

بنابراین، آن گونه که ملاحظه شد تا این زمان یعنی تا فروپاشی دولت شوروی، ایران نسبت به بهره برداری از منابع انرژی دریای خزر تمایل جدی از خود بروز نداد. دلایل این عدم

تمایل را به طور کلی می توان در موارد ذیل خلاصه نمود :

1- اگرچه بخش مهمی از منابع انرژی دریای خزر در مناطق جنوبی این دریا واقع شده است، اما عمق زیاد آب این بخش از دریا موجب بالا رفتن هزینه در بخشهای مختلف اکتشاف

و تولید خواهد شد، این در حالی است که عمق آبهای خلیج فارس سواحل نزدیک به ایران به کمتر از 100 متر می رسد و همچنین ایران در مناطق جنوبی خود دارای منابع عظیم

انرژی است و خلیج فارس برعکس دریای خزر دارای منابع عظیم نفت و گاز بوده و به آبهای آزاد راه دارد. [19] این موضوع یکی از مهمترین دلایل عدم توجه ایران به بهره برداری

از منابع نفت دریای خزر طی یکصد سال اخیر بوده است.

2- مهمترین مسئله ای که به خصوص پس از فروپاشی شوروی بروز یافت این است که در صورت به انجام رسیدن طرح تقسیم از سوی آذربایجان و قزاقستان مطرح گردیده است،

سهم ایران از منابع انرژی دریای خزر بسیار اندک خواهد بود. بنابراین، ایران طرح یکسان سازی سهام را بهترین طرح برای رضایت هر پنج کشور می داند. [20]

3- عدم دسترسی ایران به امکانات لازم در بخشهای مختلف اکتشاف، تولید و انتقال انرژی که در طی دهه های پیش از انقلاب و دو دهه پس از آن مانع مهمی در پیش روی ایران

به حساب می آمدند که البته این مشکل به مرور زمان حل خواهد شد.

4- وجود اختلافات سیاسی در منطقه که در ابتدا با اختلافات ایران و شوروی بر سر مسئله کمونیس [21] و سپس بحران آذربایجان [22] بروز یافت و مسائلی از این قبیل تا فروپاشی

اتحاد شوروی ادامه یافت و مانع از اجرای صحیح معاهدات 1921 م و 1940 م بود. پس از فروپاشی شوروی نیز اختلافات ایران با آمریکا با توجه به نفوذ این کشور در منطقه و به

خصوص در آذربایجان و در نتیجه بروز اختلافات میان کشورهای ساحلی به دلایل تضاد منافع که طی سالهای اخیر نیز ادامه دارد، از موانع مهم توجه ایران به منابع انرژی دریای

خزر است. [23]

الگوهای پیشنهادی کشورهای ساحلی برای تدوین رژیم حقوقی

همانگونه که گفته شد برخی کشورهای ساحلی دریای خزر به دلیل ضعف بنیه نظامی خود حاضر به رویارویی با کشورهایی همچون روسیه و ایران نیستند و بنابراین خواهان کنار

گذاشتن قراردادهای 1921 و 1940 م. و انعقاد معاهده ای هستند که هر کشور را نسبت به سرنوشت خود دارای اختیار تام بداند که البته این چنین معاهده ای از دیدگاه ایران و

روسیه تنها در مورد دریاهای آزاد و نیمه بسته قابل اجرا است. در ادامه به نظرات کشورهای ساحلی راجع به رژیم حقوقی این دریا می پردازیم :

دیدگاه آذربایجان

آذربایجان بر تقسیم کل دریای خزر به بخشهای ملی مستقل بر پایه خط منصف و با توجه به خطوط ساحلی تاکید دارد. به عقیده این کشور قراردادهای 1921 و 1940 م. اگر با دقت مورد بررسی قرار گیرد بر حاکمیت مستقل و غیر مشاع منابع دریای خزر تاکید دارد و اگر این قراردادها را به شکل ظاهری در نظر بگیریم در مورد منابع انرژی زیر بستر دریای خزر قابل تعمیم نیست و بنابراین باید تنها در مورد کشتی رانی و شیلات به اجرا گذاشته شود. سیاستمداران این کشور معتقدند که دولت شوروی سابق در سال 1954 م/1331 ه.ش منابع انرژی سواحل آذربایجان را به طور یکجانبه مورد بهره برداری قرار داده است و ایران در این زمینه هیچگونه اعتراضی نداشته است که دلیل بر رضایت ایران است. به این ترتیب، آذربایجان پس از مذاکرات یک جانبه با کمپانی های نفتی از سال 1996 م. به بهره برداری از منابع نفتی خود پرداخت. روسیه پس از دادن اولتیماتوم شدید به آذربایجان هنگامی که متوجه فعالیت شرکت های روسی در این کشور شد سیاست خود را تغییر داد و در سال 1998 اقدام آذربایجان را محترم شمرد. آذربایجان در همین زمان قانون ملی سازی منابع انرژی دریایی خود را به تصویب مجلس رساند.

دیدگاه قزاقستان

قزاقستان به دلیل عدم دسترسی مستقیم به بازارهای مصرف و آبهای آزاد همواره در صدد تدوین یک رژیم حقوقی تامین کننده کاستی های خود بوده است. این کشور از طرفی خواهان دستیابی آسان به آذربایجان و ایران برای انتقال منابع انرژی خود است و از طرف دیگر درصد خروج از وابستگی به روسیه به عنوان کانال انتقال این منابع به دلیل هزینه های بالا است. بنابراین، قزاقستان، همچون آذربایجان، خواهان تدوین رژیم حقوقی مبتنی بر کنوانسیون 1982 م. است. دلیل اتخاذ این سیاست از دیدگاه مقامات قزاق، ارتباط خزر با دریای سیاه و بالتیک از طریق گذرگاه ولگا است. اما به عقیده ایران این گذرگاه یک پدیده مصنوعی ساخت بشر است و حتی یک رود بزرگ همچون ولگا قادر به تغییر در تعریف یک دریا نیست و به علاوه خزر در عرف بین الملل یک دریاچه است نه یک دریا. [24]

دیدگاه ترکمنستان

این کشور معتقد است که قراردادهای 1921 و 1940 م. به قوه خود باقی بماند، اما در مورد منابع نفت و گاز دریای خزر یک رژیم حقوقی جدید تدوین گردد. به این معنا که قراردادهای عصر حاکمیت شوروی و پهلوی تنها در مورد بهره برداری از آب و منابع غیر نفتی همچون شیلات و حقوق کشتی رانی مورد پذیرش پنج کشور قرار می گیرد. با بررسی مواضع این کشور طی دهه اخیر می توان به این نتیجه رسید که ترکمنستان یک سیاست متعادل را نسبت به دیگر اعضا و به خصوص ایران و آذربایجان اتخاذ کرده است. البته نزدیکی مواضع این کشور با ایران و روسیه از یک طرف و تمایل نسبت به یافتن راه حلی کم هزینه برای انتقال منابع انرژی ترکمنستان به اروپا و اقیانوس هند نقشی تعیین کننده در این سیاست داشته است. همچنین این کشور در مقاطع مختلف با توجه به چراغ سبز کشورهای معارض با ایران سیاست خود را تغییر داده است. در مواقعی به دلیل تمایل به انتقال نفت و گاز خود از طریق بستر دریا به آذربایجان، با حمایت دولت آمریکا، به حمایت از سیاست آذربایجان پرداخته است، اما اختلافات این کشور با آذربایجان به خصوص بر سر میداین نفتی آذری، چراغ و سردار موجب بروز تناقض در تصمیمات ترکمنها شده است. [25]

دیدگاه روسیه

روسها تا سالهای منتهی به قرن بیست و یک قراردادهای 1920 و 1940 م. را در مورد تعیین سرنوشت منابع انرژی خزر اجرایی می دانستند و همچون ایران معتقد بودند که دولتهای ساحلی تا زمانی که رژیم حقوقی قطعی در مورد دریای خزر تدوین نگردیده است حق بهره برداری یکجانبه منابع این دریا را ندارند و تنها باید طبق معاهدات ایران و شوروی عمل نمود. در این دوره به خصوص از 1991 تا 1998 م. روس ها به دلیل اینکه نگران نفوذ غرب در منطقه بودند سیاستی را دنبال می کردند که در نهایت مانع از نفوذ هرچه بیشتر غرب در این منطقه شود. اگر چه کمپانی های بزرگ نفتی همچون لاک اویل [26] با این سیاست دولت مخالف بود و به دنبال راه حلی برای مشارکت هرچه بیشتر در طرح های بهره برداری از منابع نفت این منطقه بودند. [27] دولت روسیه در این مقطع با شدت متمم مانع از اقدام کشورهای تازه استقلال یافته برای بهره برداری از منابع نفت می شد. منازعه سیاسی این کشور با آذربایجان که ناشی از تلاش دولت آذربایجان برای بهره برداری یکجانبه از منابع نفت خود بود نمونه بارزی از موضع روس ها در زمینه منابع انرژی این منطقه است. [28] بروز این مسئله در دهه 90 نشان دهنده ضعف سیاسی و اقتصادی روس ها بود که خود ناشی از فروپاشی سیستم شوروا و تلاش حکومت جدید برای بازسازی زیربنای اقتصادی خود بود. اما شرکت های نفتی روس دیدگاه دیگری داشتند. آنها معتقد بودند که هرگونه عدم مشارکت روس ها در طرح های نفتی این منطقه موجب تمایل کشورهای این منطقه به کمپانی های آمریکایی و اروپایی خواهد شد. بنابراین لازم است که دولت روسیه از کمپانی های خود حمایت کند و آنان خود را در بهره برداری منابع انرژی این منطقه سهیم بدانند. علاوه بر این روسها به عمق روابط آذربایجان با کمپانی نفتی غرب واقف بودند. در نتیجه، به مرور زمان سیاست روسها پس از ارسال نامه هایی به سازمان ملل تغییر کرد و این کشور سعی نمود تا آذربایجان را وادارد تا شرکت های بزرگ روسی را در پروژه های نفتی خود شریک کند و پس از این اقدام روسیه حاکمیت این کشور بر منابع انرژی خود را مشروط به کنار گذاشتن طرح تقسیم و پذیرش اصل حق انحصاری بر منابع انرژی فلات قاره دانست. به این ترتیب، در سال 1996 م. لاک اویل ده درصد سهام کنسرسیوم نفتی آذربایجان را به دست آورد [29] و آذربایجان طی سالهای بعد قراردادهای چند میلیاردری را با شرکت های روسی منعقد نمود. در سال 1996 م. وزارت خارجه با اتخاذ سیاست طرفداری از آذربایجان طرح جدیدی را تدوین و اعلام نمود که در آن مواضع تمامی اعضا مد نظر قرار گرفته است. این طرح پس از مذاکره با کشورهای ایران، ترکمنستان و قزاقستان تدوین گردید اما آذربایجان بار دیگر با این طرح مخالفت نمود که دلیل آن را باید وجود منابع بزرگ نفت و گاز در سواحل روبه روی آذربایجان و در وسط دریای خزر دانست که از حدود 45 مایلی سواحل تعیین شده دورتر است. روسها به این ترتیب از 1997 م. به بعد روس ها پیشنهادهای را در زمینه یک مناقصه در سواحل شمالی دریای خزر به شرکت های نفتی خود و به خصوص لاک اویل دادند. اما این طرح با مخالفت برخی کشورهای همسایه این کشور همراه بود. روس ها از این پس با توجه به اهمیت روز افزون انرژی دریای خزر سیاست دهه نود را تغییر داده و سعی کردند تا همزمان با ممانعت از حضور کمپانی های بزرگ نفتی در این منطقه کمپانی های نفتی خود را تشویق به افزایش سرمایه گذاری در این منطقه کنند. [30]

اگر چه این سیاست با توافق کشورهای دیگر همراه نبوده است اما در این مقطع نیز همچون نیمه دوم قرن بیست قدرت نظامی و سیاسی روس ها نقش مهم خود را ایفا نموده و کشور های ساحلی علی رغم وجود اختلاف در زمینه های سیاسی تا حدیدی در مقابل روس ها سکوت اختیار کرده و حاضر به ورود به یک منازعه سیاسی و ایجاد بحران در این منطقه نیستند. آذربایجان تنها کشوری است که شدیداً به دنبال ایجاد زمینه برای حضور کشورهای دیگر و به خصوص آمریکا در این منطقه است. بنابراین، روسها طی سالهای اخیر با اتخاذ سیاستی دو سویه سعی در بهره گیری حد اکثری از منابع نفتی خزر و همچنین حفظ موقعیت سیاسی خود با ایجاد موانعی در حضور دیگر قدرتها هستند و این موضع در دوره حاکمیت پوتین با جدیت دنبال شده است.

موضع ایران در قبال مسئله رژیم حقوقی دریای خزر

همانگونه که پیشتر راجع به دلایل عدم تمایل ایران نسبت به بهره برداری از منابع انرژی دریای خزر تا چندسال اخیر ذکر شد، در صورت اجرای طرح تقسیم سهم ایران به حد ناچیزی کاهش خواهد یافت. بنابراین، ایران از همان آغاز نسبت به ایجاد جو عدم رضایت در صورت عملی شدن این طرح هشدار داده است و طی سالهای نخست قرن بیست و یک بارها بر آن تاکید کرده است. از دیدگاه مقامات ایرانی به دلیل ویژگیهای خاص دریای خزر، رژیم حقوقی مبتنی بر حاکمیت مشترک بهترین و مناسبترین وسیله برای حل این مسئله انرژی دریای خزر است. [31] این نوع رژیم در کنوانسیون حقوق دریاهای نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. در این کنوانسیون آمده است که کشورهای ساحلی در صورت

تمایل می‌توانند به صورت مشاع به تقسیم و تسهیم در منابع یک دریای بسته اقدام کنند. ایران در سالهای اخیر علی‌رغم تأکید بر لزوم تعیین رژیم حقوقی خزر بر پایه اصل مشاع نسبت به تقسیم این دریا به شرط قرار گرفتن بیست درصد برای هر کشور ساحلی ابراز تمایل نمود. اما به هیچ وجه رژیم ترکیبی و دوگانه را به رسمیت نشناخته است و معتقد است که تنها باید یک رژیم برسطح بستر و زیر بستر این دریا حاکم شود. با این وجود، لزوم کاهش منازعات سیاسی در این منطقه و ممانعت از ایجاد زمینه برای حضور قدرت های غربی در کنار لزوم تعیین سریع یک رژیم حقوقی مبتنی بر رضایت تمامی اعضا باعث ایجاد تغییراتی در دیدگاه مقامات ایرانی و دیگر کشورهای ساحلی شده است. طی سالهای اخیر با ملاقاتهایی که میان کشورهای ساحلی این دریا صورت گرفته است، طرفین به توافقاتی در زمینه تقسیم منابع نفتی این منطقه دست یافته اند. امید می‌رود که رژیم حقوقی دریای خزر در صورت تصویب نهایی به صورت پایدار و ابدی مورد پذیرش کامل از سوی تمامی کشورهای ساحلی قرار می‌گیرد.

نتیجه:

دریای خزر به عنوان یک دریای بسته در طول تاریخ به عنوان یک دریاچه مشترک میان اقوام شمالی و جنوبی یعنی خزرها، اسلاوها، ترکها، ترکمنها، ایرانیها و غیره مورد بهره برداری قرار گرفته است و به جز در مقطع قرن 19 میلادی که تزارهای روسیه به دلیل رقابتهای شدید سیاسی و اقتصادی این دریا را یک دریای روسی به حساب آورده اند، هیچ گاه در مورد بهره برداری از منابع غیر نفتی این دریا میان اقوام ساحلی منازعه طولانی مدت بروز نیافته است. اما فروپاشی شوروی و اهمیت نفت در قرن اخیر موجب توجه کشورهای ساحلی به این ماده حیاتی شد و اختلافاتی در زمینه نحوه بهره برداری منابع انرژی این دریا بروز یافت. هر یک از کشورهای ساحلی با مد نظر قرار دادن منافع ملی خود خواهان تدوین یک رژیم حقوقی خاص بودند که در این میان دو جریان ایران و روسیه و آذربایجان- قزاقستان نمود بیشتری داشت. اما تمایل شرکتهای روسی و همچنین دولت روسیه برای سهیم شدن در منابع نفت این دریا موجب بروز تغییراتی در سیاست روسها شد. ایران نیز که طی یک قرن اخیر به دلایل مختلف توجه زیادی به بهره برداری منابع انرژی دریای خزر بدون تدوین یک رژیم مورد پذیرش همه طرفهای دخیل نداشت با ملاحظه اوضاع جدید تمایل خود را نسبت به حل سریع این مسئله اعلام نمود که طی سالهای اخیر کشورهای مذکور به توافقاتی اولیه دست یافتند و امید می‌رود که این مسئله به حل و فصل نهایی خود برسد.

فهرست منابع: